کوتاه‌تر از گزارش

مترو، از نفس افتاده

مریم خباز

جامعه

چند روز است متروی تهران دارد پشت سر هم بد می‌آورد؛ ابتدا ۲۹آبان و پس از آن اول‌آذر؛ بین این دو اتفاق هم که رسانه‌ای شدند چند تایی حادثه ریز و کوچک که لابه‌لای خاطرات روزانه مردم می‌شود آنها را پیدا کرد، مثل ۳۰آبان حوالی ساعت۱۷ که از زیر قطاری که به سمت کهریزک می‌رفت صداهای ترسناکی به گوش می‌رسید و راهبر مجبور بود برای ثانیه‌هایی توقف کند.

۲۹آبان که همان اول‌صبح قطار در خط۴ متوقف شد و مسافران را نیم‌ساعت در ایستگاه تئاترشهر نگه‌داشت، چرخ قطار به علت فرسودگی قفل شده بود، دیروز هم که باز در همین خط در ایستگاه میدان آزادی غلغله شد علتش نقص‌فنی در سوزن ریل در ایستگاه بالادستی یعنی ارم‌سبز گزارش شد.

پیش از اینها در تابستان هم نقص‌فنی قطارهای مترو خبرساز شده بود؛ یک‌بار ۲۳خرداد که نقص ترمز یکی از قطارها باعث اختلال در خطیک شد، بار دیگر ۵خرداد که ۷و۳۰دقیقه صبح یکی از قطارهای خط‌سه از سمت آزادگان گرفتار نقص‌فنی شد و مسافران را ۱۵دقیقه روی سکو معطل گذاشت و یکبار هم ۹مرداد که توقف یکی از قطارها در ایستگاه شهیدنواب‌صفوی به دلیل نقص‌فنی، ۵۵دقیقه همه را در این ایستگاه ذله کرد.

همه این اتفاقات می‌گوید حال متروی تهران بد است و مثل بیماری بدحال که فقط برای گذاشتن نان بر سر سفره خانواده همت می‌کند و به محل کار می‌رود، مترو نیز با حال نزارش هنوز کار می‌کند چون چاره‌ای غیر از این ندارد.

بخش بزرگی از قطارهای متروی تهران سال‌هاست که اورهال(نوسازی) نشده‌اند و خیلی‌هایشان به دلیل گرانی‌قطعه و نبودبودجه در پارکینگ‌ها و تعمیرگاه‌ها زمینگیر شده‌اند، درحالی که مسافران در اغلب ساعات روز باید در واگن‌های مملو از جمعیت، واگن‌هایی که سیستم تهویه و روشنایی‌شان مشکل دارد و حتی سیستم‌صوتی آنها از کارافتاده میان مبدا و مقصد جابه‌جا شوند.

برای درک عمق فاجعه‌ای که در متروی پایتخت در جریان است مرور چند آمار از زبان علی عبدا...پور، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه راهگشاست: تا پایان مهر ۳۵درصد قطارهای درون‌شهری و بیش از ۷۵درصد ناوگان خط۵ از محدوده مجاز برای انجام اورهال عبور کرده‌اند که برای به‌روزرسانی این ناوگان و انجام اورهال تا سه‌سال آینده، ۷۰۰۰ میلیارد تومان نیاز است.

حالا اگر بدانیم در هشت سال گذشته دولت هیچ کمکی به متروی تهران نکرده و به گفته مهدی چمران، رئیس شورای‌شهر، هشت سال است که هیچ واگنی به مترو پایتخت داده‌نشده، آن وقت علت بزرگی سرمایه‌ای را که مورد نیاز است، خواهیم دانست.

تامین واگن با تهاتر نفت

سال پیش ۸۵درصد هزینه‌های جاری متروی پایتخت را شهرداری تهران پرداخت و ۱۴درصد هزینه‌ها را مسافران؛ درحالی که دولت فقط یک‌درصد هزینه‌ها را تقبل کرد. به این ترتیب دولت‌قبل نه‌تنها در بخش خرید واگن بلکه در تامین هزینه‌های جاری نیز تهران و در واقع مردم را تنها گذاشت.

اما شواهد حاکی از تغییر دراین وضع است، یا لااقل این‌طور نشان داده می‌شود. علیرضا نادعلی، سخنگوی شورای‌شهرتهران نوید داده که اتفاقات خوب حمل‌ونقلی پیش‌روی تهران است یا جعفرهاشمی‌تشکری، عضو دیگر شورا چون صحبت از حل معضل ترافیک را بدون بهبود حمل‌ونقل‌عمومی بی‌فایده می‌داند از تشکیل ۱۱کارگروه برای رفع این مشکلات خبر داده است.

روز گذشته نیز میثم مظفر، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورا به جلسه هم‌اندیشی شهردار و اعضای شورای شهر اشاره و نقل کرد که قرارشده دولت تعهدات خود را در حوزه حمل‌ونقل عمومی با اولویت تامین واگن و از طریق تهاتر نفت انجام دهد. اگر این گفته‌ها جامه‌عمل بپوشد شاید حال مردم در زیرزمین و روی‌زمین تهران بهتر شود.

۳۷۵۱ مرگ منتسب به آلودگی‌هوا در سال۹۹

عباس شاهسونی، رئیس‌گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت‌بهداشت با اشاره به شرایط آلودگی‌هوا در کشور و به‌ویژه تهران گفت: سال گذشته در پایتخت ۳۷۵۱ مرگ منتسب به مواجهه با ذرات معلق رخ‌داده و همه اهالی شهر تهران هم تحت‌تاثیر آلودگی هوا بوده‌اند. وی افزود: سال۹۹ میانگین غلظت ذرات معلق کوچک‌تر از ۲/۵ میکرون در شهرهای کشور ۲۹ میکروگرم بر مترمکعب و تقریبا شش برابر رهنمود سازمان جهانی بهداشت بود. /ایسنا

امیرعلی و فاطمه اسامی پرطرفدار سال۱۴۰۰

سیفا... ابوترابی، سخنگوی سازمان ثبت‌احوال گفت: در سال۱۴۰۰ نام‌های فاطمه و امیرعلی بیشترین فراوانی را تا امروز داشته است. وی افزود: از ابتدای سال تاکنون بیشترین نام‌های انتخاب‌شده برای نوزادان پسر بعد از امیرعلی، محمد، علی، امیرحسین، حسین، آراد، آریا، ابوالفضل و آیهان و برای دختران پس از فاطمه، زهرا، رستا، حلما، آوا، زینب، بهار، مرسانا و آیلین بوده است. /جام‌جم‌دیلی

دیروز باران نیز دانش‌آموزان را در پایتخت بدرقه می‌کرد

عکس: جام‌جم

طعم گس مهر در ماه آذر

در اولین روز بازگشایی مدارس برای همه مقاطع تحصیلی دانش‌آموزان، والدین و مدیران مدرسه‌ها دغدغه‌های خاص خود را داشتند

لیلا شوقی

جامعه

باران به پیشواز دانش‌آموزان آمده و کوچه و خیابان‌ها را آب و جارو کرده‌است. روی دیوار مدارس هم تا چشم کار می‌کند پیام‌های خوشامدگویی برای دانش‌آموزان نصب شده‌است. دیروز در اولین روز آخرین ماه پاییز در بسیاری از مدارس به روی دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و متوسطه اول باز شد. اتفاقی که حدود دو هفته پیش برای دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه رقم خورده بود. هرچند که به گفته معاون آموزش متوسط وزارت آموزش و پرورش تا دیروز حدود ۱۰۵ مدرسه مجوز بازگشایی را در سطح کشور دریافت کرده‌اند اما تا پایان هفته مدارس باقی‌مانده نیز مجوز بازگشایی را دریافت می‌کنند. در روز اول برگزاری کلاس‌های حضوری به چهار مدرسه، امام حسین(ع) یک، مدرسه ابتدایی و متوسطه اول میثاق، در محله تهرانسر، مدرسه مریم در محله میرداماد و مدرسه مقطع ابتدایی و متوسطه اول سیدالشهدا(ع) در محله اکباتان رفتیم تا با دانش‌آموزان، والدین و اولیای مدارس درباره این اتفاق صحبت کنیم. بسیاری از والدین و اولیای مدارس نگران رعایت پروتکل‌های بهداشتی بودند. برخی دانش‌آموزان نیز از این‌که مدارس بازگشایی شده خوشحال بودند و عده‌ای نیز نگران حضوری برگزار شدن امتحانات بودند در این بین آنچه نگران‌کننده به نظر می‌رسد رعایت پروتکل‌ها از سوی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی به‌خصوص کلاس اولی‌هاست، دانش‌آموزان بازیگوشی که به این مهم کمتر توجه می‌کنند.

بی‌خبری برخی والدین

ساعت ۷ صبح است و بلوار یاس محله تهرانسر از همیشه شلوغ‌تر است، دانش‌آموزان زیادی همراه والدین‌شان راه مدرسه امام حسین(ع) یک را در پیش گرفته‌اند. دانش‌آموزان مقطع ابتدایی با لباس‌های فرم، کوله‌پشتی‌شان را روی شانه انداخته‌اند و خوشحال در باران روز اول آذرماه به سمت مدرسه قدم برمی‌دارند. جلوی مدرسه امام حسین(ع) مادری ایستاده است و به دانش‌آموزان کوچک با تردید نگاه می‌کند. از دانش‌آموزان می‌پرسد: «به شما اطلاع داده بودند که باید در کلاس حضوری شرکت کنید؟» می‌گوید که پسرش در مقطع سوم ابتدایی درس می‌خواند و از دیروز منتظر است تا به او اطلاع دهند در مدرسه حاضر شود. با این وجود اما هیچ‌کدام از اولیای مدرسه از او نخواستند که به صورت حضوری در کلاس‌ها حاضر شود بنابراین این مادر صبح زود به مدرسه آمده تا ببیند پسربچه‌اش را باید به مدرسه بیاورد یا نه. او می‌گوید: «پسرم از زمانی که شنیده باید در مدرسه آموزش حضوری ببیند خیلی خوشحال است.» به همین دلیل است که پسربچه‌اش دیشب از خوشحالی نخوابید و صبح زود هم بیدار شد و لباس فرمش را پوشید. مادر میانسال می‌گوید اگر باران نمی‌بارید او را با خود به مدرسه می‌آورد. این را می‌گوید و به داخل مدرسه می‌رود و بعد از مدتی خوشحال بازمی‌گردد. او توضیح می‌دهد که پسرش را باید برای دو روز دیگر آماده حضور در مدرسه کند.

برای مادری که چتر روی سرش گرفته و به مدرسه سیدالشهدای اکباتان آمده‌است زیر باران، در مدرسه حاضر شدن خوشحال‌کننده نیست. او توضیح می‌دهد که نمی‌دانسته باید دخترش را به مدرسه بیاورد یا نه. به همین دلیل صبح زود به مدرسه آمده تا از اولیای مدرسه زمان حضور دختر کلاس دومی‌اش را بپرسد. این مادر از باران و ترافیک صبحگاهی عصبانی است و می‌گوید: «ای کاش مدیران مدرسه، روز و زمان دقیق حضور دانش‌آموزان در مدرسه را در یک جدول زمانبندی در کانال‌های مدارس اطلاع‌رسانی می‌کردند.»

زن با دقت همه جا را نگاه می‌کند. نگاهش را از دیوارها به کف راهروها و بعد به حیاط مدرسه می‌برد و با دقت همه جا را بررسی می‌کند. حتی برای لحظه‌ای می‌ایستد و به کار کردن بابای پیر مدرسه نگاه می‌کند تا ببیند پیرمرد چطور زمین را تی می‌کشد و با دستمال نرده‌ها را گردگیری می‌کند. می‌گوید هنوز مطمئن نیست که فرزندش را برای آموزش حضوری به مدرسه بفرستد یا نه. روز بعد دختر کلاس دومی‌اش باید در آموزش حضوری شرکت کند. از ناظم مدرسه هم درباره زمان‌های ضدعفونی‌کردن می‌پرسد. ناظم به او توضیح می‌دهد هر روز فقط یک‌بار همه کلاس‌ها ضدعفونی می‌شوند و به این مادر اطمینان می‌دهد اولیای مدرسه همه پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کنند. با این وجود اما زن نگاهی موشکافانه به دیوارها می‌اندازد و راهش را می‌کشد که برود. ناظم مدرسه میثاق پشت سرش می‌گوید: «آموزش حضوری برای فرزندتان بهتر است.» زن اما شنیده و نشنیده مدرسه را ترک می‌کند.

تلاش برای اجرای پروتکل‌های بهداشتی

وارد سالن مدرسه میثاق محله تهرانسر که می‌شویم این خطوط زردی که روی زمین کشیده شده و فاصله‌گذاری اجتماعی را نشان می‌دهد اول از همه به چشم می‌آید. سرویس بهداشتی این مدرسه تمیز است و صابون مایع هم به اندازه کافی هست. یکی از دانش‌آموزان این مدرسه که در مقطع هشتم درس می‌خواند می‌گوید که برای ورود به کلاس درس کارت واکسیناسیون آنها بررسی می‌شود. هرچند که این دختر دانش‌آموزان توضیح می‌دهد که در کلاس ۹ نفره‌شان دو نفر از دانش‌آموزان واکسن تزریق نکرده‌اند و یکی از دوستانش هم فقط یک دوز واکسن را تزریق کرده است. با این حال در کلاس بزرگ آنها دانش‌آموزان با فاصله زیاد از هم پشت نیمکت‌ها می‌نشینند. در مدرسه سیدالشهدای اکباتان دستگاه ضدعفونی‌کننده در راهروها نصب شده است تا هر دانش‌آموزی قبل از ورود و خروج از کلاس درس دست‌های خود را ضدعفونی کند. سرویس‌های بهداشتی مقاطع ابتدایی و مقاطع متوسطه اول در این مدرسه از همدیگر جداست.

دانش‌آموز کلاس هفتم مدرسه مریم در محله میرداماد توضیح می‌دهد که با کلاس‌های درس بزرگ تنها پنج تا شش دانش‌آموز در هر کلاس درس حاضر می‌شوند. به همین دلیل است که رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در این مدرسه به‌خوبی رعایت می‌شود. این دختر نوجوان البته خود ماسک به صورت ندارد. بعد از تمام شدن حرف‌هایش دو سه دختر نوجوان دیگر از کلاس بیرون می‌آیند. دو نفرشان ماسک‌هایشان را زیر چانه گذاشته‌اند و نزدیک به هم راه می‌روند. بعد اما زمانی که یکی از اولیای مدرسه را می‌بینند ماسک‌شان را بالا می‌دهند و از هم فاصله می‌گیرند. در هیچ مدرسه‌ای، در هیچ‌کدام از چهار مدرسه‌ای که ما به آنها سر زدیم بوفه مدارس باز نبود و دانش‌آموزان در زنگ‌های تفریح از خوراکی‌هایی که مادرشان برای آنها تدارک دیده بود استفاده می‌کردند.

مردودی کلاس اولی‌ها در اجرای پروتکل‌ها

حرف دل یکی از معلمان مدرسه سیدالشهدای اکباتان است: «رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای کلاس اولی‌ها امکان‌پذیر نیست.» او توضیح می‌دهد زمانی که دانش‌آموزان در کلاس درس حاضر می‌شوند نگرانی از رعایت پروتکل‌های بهداشتی وجود ندارد چراکه با فاصله از هم پشت نیمکت‌های کلاس می‌نشینند و هم این‌که معلم در کلاس درس مراقب‌شان است. مشکل اما زمانی شروع می‌شود که دانش‌آموزان در زنگ تفریح از کلاس درس بیرون می‌آیند و با دوستان‌شان معاشرت می‌کنند. در آن زمان است که هیچ‌کدام‌شان ماسک نمی‌زنند و نزدیک به هم بازی می‌کنند.

پسرک حواسش به خودش نیست. ماسکش را زیر چانه گذاشته است و با دوست کوچک کلاس اولی‌اش حرف می‌زند. بغلش می‌کند یا این‌که با مشت‌های کوچکش به بازوها و دست‌هایش می‌کوبد. معلم کلاس به او و دوستش هشدار می‌دهد که ماسک‌هایشان را به صورت بزنند و از هم فاصله بگیرند. پسرک گوش می‌دهد بعد اما زمانی که معلم سر برمی‌گرداند دوباره از نو بازی و شیطنتش را شروع می‌کند. معلم جوان کلاس اول می‌گوید: «اگر تعداد دانش‌آموزان بیشتر شود اصلا نمی‌توانیم مراقب رعایت پروتکل‌های بهداشتی باشیم.» به همین دلیل است که مدیر مدرسه او، مدرسه امام حسین(ع) یک تنها اجازه حضور ۱۰ دانش‌آموز کلاس اولی را در کلاس درس می‌دهد با وجود این اما اگر این معلم جوان مراقب دانش‌آموزان نباشد دانش‌آموزان شیطان بی‌توجه به پروتکل‌های بهداشتی با هم بازی می‌کنند، ماسک‌ها را از صورت برمی‌دارند و حتی خود را روی زمین می‌اندازند.

زن حواسش به گوشی همراهش است. می‌گوید پنج دقیقه دیگر زنگ تفریح دانش‌آموزان کلاس اولی به صدا درمی‌آید. از رعایت پروتکل‌های بهداشتی که می‌پرسیم با اعتمادبه‌نفس می‌گوید که دخترش دستکش به دست دارد و می‌داند که ماسک هم باید به صورت بزند. او نگران نیست. توضیح می‌دهد که چند بار با دخترش در خانه رعایت پروتکل‌های بهداشتی را تمرین کرده است. زنگ تفریح کلاس که به صدا درمی‌آید راهروهای خالی به یک‌باره پر و حدود ۲۰ دانش‌آموز کلاس اولی وارد راهرو می‌شوند. همه نزدیک به هم راه می‌روند و حتی سه نفرشان ماسک به صورت ندارند. یکی‌شان دستش را می‌زند به چشم‌هایش. یکی دیگر لقمه نان از دستش می‌افتد بعد اما نان را از زمین برمی‌دارد و به دهان می‌گذارد. زن به یکباره بلند می‌شود و رو به دختری که ماسکش را زیر چانه گذاشته و دانش‌آموز ریزنقش کوچکی را بغل کرده است می‌گوید: «نباید ماسکت را زیر چانه بگذاری... دستکش‌ات کجاست؟» دختربچه کوچک با چشمانی متعجب مادرش را نگاه می‌کند.

با این که مدیر مدرسه امام حسین(ع) یک فقط اجازه حضور ۱۰ دانش‌آموز کلاس اولی را در کلاس درس داده است اما معلم کلاس مراقب دانش‌آموزان نباشد آنها بی‌توجه به پروتکل‌های بهداشتی با هم بازی می‌کنند، ماسک‌ها را از صورت برمی‌دارند و حتی خود را روی زمین می‌اندازند

ترس از مدرسه و تغییر دوستان

درست جلوی مدرسه ابتدایی پسرانه امام‌حسین(ع) یک، پسربچه کوچکی ایستاده است و گریه می‌کند. پدرش با او حرف می‌زند: «باید به مدرسه بروی. نمی‌شود که در خانه بمانی.» پسربچه کوچک اما دلش رضا نمی‌دهد به حضور در مدرسه. پدر تعریف می‌کند پسرش دانش‌آموز کلاس اول ابتدایی است و در حدود دو ماهی که آموزش در مدارس شروع شده فقط یک بار در مدرسه حاضر شده است. پدرش توضیح می‌دهد صبح زود با خواهش و تمنا پسرش را به مدرسه آورده است. با وجود این، اما او از حضور در مدرسه می‌ترسد و دوست ندارد در مدرسه بماند. باران روی سر پسربچه می‌ریزد و با اشک‌هایی که صورتش را پوشانده، یکی می‌شود.

صدای فریاد دانش‌آموزان دختر در راهروی باریک مدرسه میثاق شنیده می‌شود. همه یک صدا فریاد می‌زنند: «سین مثل سبد... سین مثل سالاد» زن چادرش را سفت زیر چانه گرفته و حواسش به کلاس درس است. با نگرانی می‌گوید: «می‌شنوید صدای دانش‌آموزان را؟ صدای دختر من در بین این صداها نیست.» این مادر توضیح می‌دهد دخترش بسیار خجالتی است و در زنگ‌های تفریح و حضور در کلاس درس نمی‌تواند با دوستانش ارتباط برقرار کند. گوشه‌ای می‌ایستد و در جمع حاضر نمی‌شود. او توضیح می‌دهد اگر کلاس‌های درس به صورت حضوری برگزار می‌شد، دخترش راحت‌تر می‌توانست با دوستانش ارتباط برقرار کند.

زیر چشم‌های دختر نوجوان پر از جوش است. دختر لاغراندام دانش‌آموز کلاس ششم مدرسه، مریم محله میرداماد است. می‌گوید رفتار دوستانش تغییر کرده. توضیح می‌دهد بسیاری از دوستانش را از پیش‌دبستانی می‌شناسد و حتی با آنها از کودکی بزرگ شده با وجود این حس و حال کلاس‌های حضوری سنگین است. او می‌گوید بسیاری از دوستانش تغییر رفتار داده‌اند و نمی‌تواند با آنها ارتباط برقرار کند. این دختر نوجوان توضیح می‌دهد: «بعد از دو سال طبیعی است که دوستانم تغییر رفتار بدهند. مدت زمان زیادی در مدرسه نبوده‌اند.» این دانش‌آموز کلاس ششمی ادامه می‌دهد حالا حرف خیلی از دوستانش را نمی‌فهمد. هرچند به نظرش رفتار خودش هم تغییر کرده است.

امتحان حضوری و کاهش احتمال تقلب

زن آرام ایستاده گوشه حیاط مدرسه سیدالشهدا(ع) و نگاه می‌کند به دختر کوچکی که در حیاط تنها بالا و پایین می‌پرد. خوشحال است که بعد از مدت‌ها دخترش در مدرسه حاضر می‌شود. می‌گوید دخترش کلاس دوم است و سال گذشته آموزش را به صورت غیرحضوری و آنلاین یاد گرفته است. او ادامه می‌دهد: «به همین دلیل است که درک درستی از حضور در مدرسه ندارد. نمی‌داند قوانین مدرسه و نقش ناظم و مدیر چیست و چطور با آنها رفتار کند.» او اما خوشحال است که مدارس باز شده. توضیح می‌دهد دختربچه کوچکش با حضور در مدرسه می‌فهمد باید با بزرگ‌ترها چطور رفتار کند و در روابطش پیشرفت می‌کند. این را که می‌گوید، چشمانش می‌خندد. ازپشت ماسک هم می‌شود فهمید لبخند عمیق و رضایت‌بخشی به لب دارد.

زن کیفش را بغل کرده و روی صندلی نشسته است. می‌گوید پسرش کلاس سوم ابتدایی است و حالا باید به‌صورت حضوری در کلاس حاضر شود. این مادر توضیح می‌دهد پسرش برای حضور درمدرسه لحظه‌شماری می‌کرد، چراکه با آموزش حضوری راحت‌تر می‌تواند درس بخواند. او از پسر دیگرش که در مقطع نهم درس می‌خواند هم می‌گوید. از این که تا قبل از آموزش آنلاین ریاضی‌اش عالی بود بعد اما ریاضی پسر نوجوانش افت شدیدی پیدا کرد. با برگزاری کلاس‌های درس اما حالا فرزندان او می‌توانند اشکالات درسی را به‌راحتی از معلمشان بپرسند.

دانش‌آموز کلاس هفتمی مدرسه سیدالشهدا(ع) از حضور در کلاس درس ناراحت است. او در اولین روز حضورش در مدرسه امتحان علوم دارد. ناراحتی این دختر نوجوان از این است که دو ماه گذشته درس علوم را به‌صورت آنلاین آموزش دیده است اما امتحان به صورت حضوری برگزار می‌شود. می‌گوید: «برای من و هشت دانش‌آموز دیگر کلاس، امتحان حضوری برگزار می‌شود. این در حالی است که دانش‌آموزان دیگر به صورت آنلاین امتحان می‌دهند و به‌راحتی می‌توانند تقلب کنند.» در مجموع اما به نظر این دانش‌آموز حضور در مدرسه و آموزش حضوری بهتر از آموزش آنلاین است، البته در صورتی که امتحانی از او گرفته نشود.

باران متوقف شده است. آفتاب دست خود را می‌اندازد روی سر شهر و گرمش می‌کند. آسمان را اما دود گرفته است. زنگ مدرسه میثاق به صدا درمی‌آید. ساعت ۱۰و۳۰دقیقه است. دانش‌آموزان گروه اول باید به خانه برگردند. دانش‌آموزان گروه دوم، منتظر در راهرو نشسته‌اند. برای لحظه‌ای مدرسه شلوغ می‌شود. فاصله‌های اجتماعی برهم می‌خورد و همه تنگ هم راه می‌روند. بعد اما خیلی زود از هم فاصله می‌گیرند و گروه اول و دوم دانش‌آموزان از هم جدا می‌شوند. کلاس‌های درس دوباره از دانش‌آموزان پر می‌شود. صدای معلم‌ها در راهروهای باریک مدارس به گوش می‌رسد. «مسجد ... مدرسه ... ۴ضربدر۳ می‌شود ۱۲...»